

الآن الله قسینم مرایه اسان کیم ما ویرا لیسری مر اسان تر یعنی راهیست را اسان
کیم تروی و توفیق طاعت و همیشه جناب ابو بکر توفیق دایم و اتمام نخل مالکی
بجایی کرد و مال خود را انداد و در رضای خدای تعالی خرج نکرد و استغنی و بی نیاز
داشت خود را از حق تعالی و نیاز مندی نکرد و کلاب بالحنستی و دروغ گوئی داشت
بهیست قسینیسیم پس مرایه اسان کیم ویرا للعسیمی مرد شوار تر یعنی راه
دو رخ را اسان کیم بر و جناب اسان کافر بلال را عذاب می کرد تا از اسلام برگردد و ما
یعنی عینه ساله اذ اقردی و سوز داشت او را مال وی چون هلاک شد و افتاد
دو رخ یا افتاد در کور و قیل هر سو داشت ویرا مال وی ان علیا الهدی
بر ماست بیان کردن راه راست ما بیان کنیم که خواهد ایمان آورد و توفیق همیش
وان لنا للاخرة والاولی راست این جهان و آن جهان هر که از ما آنچه طلب
بهریم جناب ابو بکر را او همیشه هم دنیا و هم عقبی بدر و ما در پس از آن همه ایمان آورد
میگردد پس از صحابه این دست نداد فاند که نارا نلظی پس هم کردیم و ترسانندیم
شما را از آتش که ز ما میزند بزرگست هر بار که ز ما نزنند کافر او نیست سالی
ز خیر ما و علما و در کردن وی با شد و فرشتگان عذاب کوز را بر سر وی خیزند و در
افدا لایصلها الا الذی کذب و قوی در دنیا دیدار آن آتش ز ما نزنند مگر
الاستغنی

کافر بدخت که دروغ گوئی داشته باشد خدای تعالی را در وی گردانیده باشد حق را
قبول کرده باشد الاستغنی یعنی الشقی باشد و مؤمن عاصی را حق تعالی با فرزند یا و کردار دیگر
از دو رخ همیشه کینه در اندام عاصی بقدر کینش بدارد و آتشش بر زنند و در جبهه می کشند
نمونه دروغ در دنیا بدو تسک بن آیت می کنند و جواب نیست که او از این است خصو
بسی آتش و مر جیمه طایفه اندکی که نیند با وجود ایمان که بنده را زمان نیندارد و بیستنها
الانقی الذی یوتی مال البیتکی و مرایه و در کرده شود این آتش که یاد کردیم از پیر
کاری که میدید ما خود را در کارهای خیر و پاک میدارد مال خود را حق خود از کفر و حرام
از جان ابو بکر رضی الله عنه الانقی یعنی الشقی و ما الاحد عشر من نعمة تجوی و نیست
هر که از این انقی نفعی که او را جز با بدو یعنی ابو بکر کسفت پس از مومنان از کافران
آزاد کردشان از برای رضای حق تعالی بود نه از برای جری که الا ابتغاء وجه
ربه الاعلی یعنی کرد ابو بکر آن کارهای خیر را که از برای خشنودی پروردگار خود کرد
از هر قدر و استیلا نه بیکان و کموف فیرضی مرایه ابو بکر خشنود شود بدین
بهیست از خدای تعالی در حقش شوره از فضل ابو بکر رضی الله عنه معلوم می شود و ای
برافضی با و که ابو بکر و عمر و عثمان را رضی الله عنهم دشمن میدارد و او ای بر خدای با و که
شاه مردانی امیرالمومنین علی و رضی الله عنه دشمن میدارد و چنانکه این کارها و خصمها